



ایران در دوران معاصر

ایل بختیاری (ایل آریایی اصیل)

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۶ بهمن ۱۳۹۲ - ۱۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

ایل بزرگ و قهرمان بختیاری اقوام ایرانی اصیل می‌توان به ایل لر (لر بزرگ؛ ایل بختیاری و لر کوچک اهالی لرستان) کرد، بلوچ و نام برد که همگی از زیر شاخه‌ها یا تیره‌های پارت هستند. ایل بختیاری با جمعیتی بالغ بر ۴ میلیون نفر به تنهایی بزرگ‌ترین ایل جهان و ایران است (البته کرد‌ها آن قدر زیاد هستند که یک قوم شناخته می‌شوند) که لر‌ها تنها در استان‌های چهار محال و بختیاری، خوزستان، کهگیلویه و بویر احمد، پارس (مسنی پارس) شاهین شهر اصفهان لرستان، بوشهر (سپید پوستان) و ... زندگی می‌کنند. این ایل یکی



ایل بزرگ و قهرمان بختیاری

اقوام ایرانی اصیل می توان به ایل لر (لر بزرگ ؛ ایل بختیاری و لر کوچک اهالی لرستان) کرد ، بلوچ و نام برد که همگی از زیر شاخه ها یا تیره های پارت هستند.

ایل بختیاری با جمعیتی بالغ بر 4 میلیون نفر به تنهایی بزرگ ترین ایل جهان و ایران است (البته کرد ها آن قدر زیاد هستند که یک قوم شناخته می شوند) که لر ها تنها در استان های چهار محال و بختیاری ، خوزستان ، کهگیلویه و بویر احمد ، پارس (ممسنی پارس) شاهین شهر اصفهان لرستان ، بوشهر(سپید پوستان) و ... زندگی می کنند .

این ایل یکی از زیر شاخه های تیره پارت نژاد آریا و از نزدیکان آن میتوان به پارت های گلستانی و شمال خراسان اشاره کرد. که روزگاری را در کنار دریای کاسپین (خزر) به گذرانده اندو نام خود را بدان دریا دادند ، این ایل به همراه لر های کوچک (اهالی لرستان) و کرد ها بعد از مهاجرت از جنوب سیبری (کوچ معروف و بزرگ هندواروپایی) در استان کونونی پارتیان (خراسان) نشین شدند .

...

تا اینجا تیره آنان بسیار کوچک بود و رفته رفته بر جمعین آنان افزوده شد . آنان حکومت اشکانی را قبل از اسلام به راه انداختند البته پدران آنان از بزرگان فرمانروایی هخامنشیان بودند (لباس و پوشاک آنان) و هم چنین بعد از اسلام ، حکومت زندیه به دست آنان تشکیل یافت . لر ها (بختیاری ها) تا پیش از زمان حمله اشکانیان به سلوکیان بیگانه و یونانی در آستر آباد (گرگان) بودند و برای پاسداری از مرز ها و پیروزی بر جنگ ها به کوه های بختیاری کنونی آورده شدند. پس از حمله اعراب مسلمان به همراه کرد ها و لر های کوچک و دربار ساسانی (البته در

آن زمان هنوز تقسیم بندی لر ها وجود نداشت) به کوه های زاگرس (استان کنونی چهار محال و بختیاری و کهگیلویه) گریختند و به جنگ چریکی با اعراب پرداختند . آنان در کوه ها به جنگ با اعراب می پرداختند تا جایی که پارس ها به آنان لقب بختیاری ؛ دارای شانس و بخت همیار دادند . آنان که زرتشتی بودند بعد از شناخته شدن اسلام ؛ مسلمان شدند و مذهب شیعه را برگزیدند .

ایل بختیاری به 2 شاخه هفت لنگ و چهار لنگ تقسیم شده است این تقسیم ناشی از مالیات های زمان خود بوده است (حدود 1000 سال پیش) 11 برادر و پسر عمو بودند که بر سر زمین های اجدادی به جنگ و ستیز پرداختند که در نهایت 4 لنگ ها توانستند زمین های بیشتری را تصاحب کنند که خود باعث میشد مالیات افزور تری بپردازند و هفت لنگ ها کمتر.



ایل بزرگ بختیاری در مشروطه

جدایی ؛

جدایی لر ها (اعم از بختیاری { لر بزرگ } و لر کوچک { اهالی استان لرستان کنونی }) از کرد ها به جنگ و ستیز برای تصاحب جایگاه خان بر می گردد. همان طور که از پایتخت استان چهار محال و بختیاری ؛ شهر کرد پیداست نشان می دهد که روزی کرد ها در آنجا بودند که سپس با پیروزی لر ها (اعم از بختیاری و لر کوچک) بر آنان بیرون رانده شده و راه به سوی شمال زاگرس را در پیش گرفتند و ساکن شدند که بسیار بر جمعیت آنان افزوده شد . از برهان های (دلایل) افزایش شمارگان (جمعیت) آنان خوبی آب و هوا (بهتر از چهار محال) و بارش باران و حاصل خیزی خاک بود. آنان که در کشور ها ایران عراق ترکیه سوریه لبنان و ... زندگی میکنند آریایی نژادند و زبان آنان از زیر شاخه های زبان هندوآورپایی است . لر ها هم که جمعیت زیادی را شامل می شدند دارای تیره ها (طوایف) زیادی

بودند که همین باعث جدایی لر های بزرگ (بختیاری) از لر های کوچک شد لر بزرگ نام خود را از دارایی خان های زیاد میگیرد و به همین صورت لر کوچک . لر های کوچک هم را ه شمال غرب را در پیش گرفتند و جد شدند.

زبان ؛ پارسی دری

زبان بختیاری ها پارسی دری است که بسیار به پارسی کنونی نزدیک می باشد ولی تفاوت آنان به تلفظ حروف و واژگان بر می گردد مثلاً آنان حرفی مبتنی بر "ق" ندارد و معمولاً غ (خ و ق قاطی) تلفظ میکنند و پارسال اصیل ترین زبان باقی مانده از پارسی شناخته شده است مثلاً پیر های این ایل که تمام و کمال لری (پارسی دری) را سخن می گویند برای تمجید و تعریف می گویند : گفت ندارد (حرف ندارد) و کمترین میزان مخلوطی با زبان برادران عرب را دارد . بسیاری از این قبیل واژگان در آن دیده شده است . آنان برای گفتن شعر می گویند ((بیت یا بیتی)) (مثلاً می گویند یارو بیت بست بمان { مسخره کرد }) یا بی ساز ابازه یعنی بدون ساز می رقص که واژه رقص عربی و بازیدن پارسی است. آنان به آتش قسم می خورند و نان و نمک را مقدس می دارند و یکدیگر را نمک گیر میکنند. زبان ما بختیاری ها از قوانینی محکم بر خوردار است و جمع بستن آن بسیار شبیه به پارسی است ولی در بعضی جاها تفاوت نیز دارد.



مرد بختیاری

پوشاک

از پوشاک و لباس آنان می توان به چوخا (چوغا) اشاره کرد که پوشاک مردان است . این لباس شبیه به کردین است البته نه با سر شانه های تیز و دراز بلکه بر روی شانه ها افتاده است . از جنس موی بز است و نقش و نگار های آن از روی پاسارگاد (مقبره کورش بزرگ) تقلید شده است . و به آیین زرتشت بر میگردد . چرا که سپنتا مینو (مخالف شیطان یا اهریمن) با رنگ سفید مشخص شده است و با ایجاد راه راهی از میان خط ها سیاه (انگره مینو = شیطان یا اهریمن) به سوی بالا و برتری بر شومی و بدی قرار میگرد و بر عکس خط های سیا یا انگره مینو به سوی پایین آمده و تنزل پیدا می کنند . مردان بختیاری نیز شلوار هایی با دمپاچه بسیار گشاد می پوشند و به رنگ سیاه است که به آن شلوار دبیت می گویند که نشان دهنده مردانگی است . کلاهی نیز از جنس نمد به رنگ سیاه یا سفید بر سر می گذارند . این لباس در گذشته های کهن با تیر و کمن و اکنون با تفنگ (معمولا برنو) مزین می شده و خواهد شد . حتا اکنون هم بختیاری ها ی شهری نشین که شمارشان به حدود 3 میلیون نفر می رسد ، از

فرزندان پسر (به لری پسر گر گفته می شود) با لباس محلی (که بسیار هم گران است !) و تفنگ اسباب بازی ، سیما (عکس) می گیرند.

آنان همواره به فرزندانشان اعم از دختر و پسر می آموزند که راست بگویند (کرداری) راست بنشینند (روی اسب) و راست تیر بیاندازند (کمان و تفنگ) .

از پوشاک زنان می توان به مینا که همان نوعی روسری است (چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام) نام برد . این مینا بیشتر به شکل مقنعه زیبا و بزرگ رنگی است . آنان این نوع روسری را با سکه هایی از زر (طلا) یا نقره همان دوران تاریخ مزین میکنند و بدان مفتخرند که به آن لچک می گویند و به دور پیشانی میبندند ؛ 98% دختران اکنون بختیاری از مادر بزرگانیشان به ارث برده اند (ارث مردان ، چوغا و کردین و کمان یا کمن و تفنگ است) اغلب بختیاری ها هم زبانیشان را تمام و کمال بلدند وظیفه خود میدانند چرا که جز این از بین خواهد رفت . (اینجا آریاوچ ؛ آریانا ؛ آریه ورته ؛ اران ؛ و در نهایت ایران به معنای سرزمین آریایی ها است) زنان ایل اصیل بختیاری دامنی که بدان دامن غری می گویند نیز می پوشند که همانند شلوار مردان ؛ دبیت بسیار گشاد است و همین طور بسیار شبیه به لباس زنان هخامنشی و شمالی ها نیز هست . (همانند لباس مردان) زنان هم دوش مردان می جنگیند.

درون و بیرون

آنان مردمانی مهمان نواز و مهمان دوست هستند که با قلبی مهربان ، همواره نگذاشته اند تا صمیمیت ها پامال شوند آنان همواره دوشا دوش دیگر برادران خود از کشور مقدس خود دفاع کرده اند و آخرین دفاع آنان در دفاع مقدس بود . یکی از بهترین و موفق ترین جنگ ها در زمان مشروطه بود که به وسیله برادران خود ستار خان و باقر خان توانستند حکومت نظامی تشکیل دهند و تهران را فتح نمایند .

بیرون : (ظاهر) آنان مردمانی قد بلند و هیکل دار هستند ؛ سفید پوست هستند و رنگ موی یک بختیاری اصیل قهوه ای یا زرد است که البته به آب و هوا هم بستگی دارد مثلاً در خوزستان و در نزدیکی پارسوماش (مسجد سلیمان) منطقه ای در یکی از دره ها وجود دارد که به آن " دره بوری " می گویند و مردمانی بور و زیبا داشت علت را که جویا شدیم گفتند که "اووس" "owes یعنی آبش . مردمان قدیم بختیاری قبل از سوختگی نژاد بر اثر آب و هوا چشمانی سبز و آبی داشتند که اکنون شمارشان در بختیاری ها بسیار زیاد است و معمولاً در هر خانواده 65 نفری (پدر بزرگ و مادر بزرگ و دایی عمو و...) همواره حداقل 28 نفر آنان بدین شکل هستند البته بقیه چشم و موی قهوه ای دارند.

رسوم

آنان بقیر از جشن نوروز ، 4 شنبه سوری ، 13 بدر ، جشن شب یلدا (در جشن شب یلدا شاهنامه خوانی رواج دارد) و جشن سده ، مراسمی مانند شاهنامه خوانی (در شب یلدا) گاه گریو (غم از دست دادن عزیزان) دیوان حافظ خوانی و ... نیز دارند:

شاهنامه خوانی : یکی از رسوم مهم است که در شب یلدا توسط خان یا ریش سپید یا پدر فامیل که آن یا قسمت

هایی از آن را از بر بود؛ خوانده می شود. که پیشین توسط با سوادان خوانده می شد ولی بعداً بدلیل عقب ماندگی ناشی از عدم ارتباط چندین ساله در کوهستان شاهنامه را افرادی سینه به سینه حفظ و منتقل میکردند البته دیوان حافظ هم مرسوم بوده است.

گاه گریو: موسیقی غم ناکی است که توسط توشمال ها (تیره ای از هندی ها که در دوران بعد از اسلام به ارتش آن زمان یعنی بختیاری ها برای ایجاد شور و غرور ارتشیان توسط حکومت افزوده شد که البته آن ها با هم هم نژاد هستند) نواخته و خوانده می شود که بسیار اندوهگین بوده و هنوز هم در میان بختیاری های شهری به صورت رسم و نماد در آمده و حتماً هم باید اجرا شود.

البته بر عکس این مراسم هم در عروسی رواج دارد که باز هم توسط توشمال ها نواخته و خوانده میشود.

تازیدن: بعد از عروسی گروهی از جوانان پسر با همراهی کل زدن (نوعی آوای ایجاد شده توسط دختران و بانوان که در تمام ایل های ایرانی الاصل رواج دارد و در بسیاری از آهنگ ها پاپ امروزی نیز هست) دختران و بانوان به سوی دره یا دشت با اسب و تفنگ نوعی ورزش دوستانه انجام می دهند که همیشه با خروش تفنگ و در گذشته با کمان همراه بود.

از عقاید این ایل (بختیاری) مانند دیگر مسلمانان اعتقاد به خدای یگانه قرآن، محمد (ص)، علی ولی الله (ع)، و نان و نمک و آتش است که به همه آنان قسم می خوردند و یاد می کنند.

اسب خوب، پسر خوب (از لحاظ جنگ جویی) داشتن نیز افتخار است. اینجا ایران است.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «ایل بختیاری (ایل آریایی اصیل)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsijandj.ir/articles/1475/pdf/ایل-بختیاری-ایل-آریایی-اصیل>

آخرین ویرایش مقاله: ۳۰ مهر ۱۳۹۹